



دانشگاه ساری
پیت

ساخت دستوری زبان فارسی

دکتر علی کریمی فیروزجائی دکتر مهدی سبزواری

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب کتاب

پیشگفتار	نه
مقدمه	یازده
فصل اول: دربارهٔ زبان فارسی	۱
هدف کلی	۱
هدف‌های یادگیری	۱
۱-۱ دستور و ساخت زبان فارسی	۱
۱-۲ مروری بر دوره‌های تاریخی زبان فارسی	۵
خلاصهٔ فصل اول	۸
خودآزمایی تشریحی فصل اول	۹
فصل دوم: مبانی صرف زبان فارسی	۱۱
هدف کلی	۱۱
هدف‌های یادگیری	۱۱
۲-۱ دربارهٔ حوزهٔ صرف	۱۱
۲-۲ ساختمان درونی واژه	۱۵
۲-۳ صرف تصریفی و اشتقاقی	۱۸
۲-۴ زیایی	۲۲
۲-۵ واژه‌های فارسی	۲۳
۲-۶ طبقات واژگان	۲۵
۲-۷ واژه‌سازی	۳۶
خلاصهٔ فصل دوم	۳۹
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم	۴۰
خودآزمایی تشریحی فصل دوم	۴۰

۴۱	فصل سوم: مبانی نحو زبان فارسی
۴۱	هدف کلی
۴۱	هدف‌های یادگیری
۴۱	۳-۱ تعریف نحو
۴۳	۳-۲ جمله
۴۵	۳-۳ انواع ساخت جملات
۴۸	۳-۴ فراکرد پایه / پیرو
۴۹	۳-۵ بند موصولی (صفتی)
۵۰	۳-۶ همپایگی
۵۱	۳-۷ بررسی ساختمان بند در زبان فارسی
۵۲	۳-۸ انواع بند
۵۲	۳-۹ گروه
۵۵	۳-۱۰ نقش‌های گروه اسمی در جملات فارسی
۵۷	۳-۱۱ ترتیب کلمات در جملات فارسی
۵۹	۳-۱۲ مبتداسازی
۶۰	۳-۱۳ اسنادی‌شدگی در فارسی
۶۱	۳-۱۴ افعال کمکی
۶۳	۳-۱۵ ساخت مجهول
۶۴	۳-۱۶ نفی در زبان فارسی
۶۵	۳-۱۷ درباره نشانه را
۶۷	خلاصه فصل سوم
۶۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۶۸	خودآزمایی تشریحی فصل سوم
۶۹	فصل چهارم: مبانی معنی‌شناسی
۶۹	هدف کلی
۶۹	هدف‌های یادگیری
۶۹	۴-۱ دانش معنایی
۷۰	۴-۲ مفاهیم پایه در معنی‌شناسی
۷۲	۴-۳ معنی و تفکر و واقعیت
۷۶	۴-۴ معنی واژگانی
۷۷	۴-۵ روابط واژگانی
۷۸	۴-۶ روابط منطقی
۷۹	۴-۷ انواع صدق‌ها
۸۲	۴-۸ مفاهیم دستوری
۸۵	۴-۹ نقش‌های معنایی
۸۷	۴-۱۰ کاربردشناسی

۸۸	۴-۱۱ استنتاج
۸۹	خلاصه فصل چهارم
۹۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۹۰	خودآزمایی تشریحی فصل چهارم
۹۱	فصل پنجم: زبان‌شناسی کاربردی
۹۱	هدف کلی
۹۱	هدف‌های یادگیری
۹۱	۵-۱ زبان‌شناسی کاربردی و ماهیت آن: تعاریف و مفاهیم
۹۴	۵-۲ تاریخچه
۹۶	۵-۳ حوزه‌های مطالعاتی
۱۰۰	۵-۴ زبان‌شناسی کاربردی و مسائل آموزشی
۱۰۴	۵-۵ مباحث آموزش و فراگیری زبان
۱۰۵	۵-۵-۱ سنجش و ارزشیابی
۱۰۷	۵-۵-۲ بافت
۱۰۷	۵-۵-۳ مقاصد خاص
۱۰۸	۵-۶ آموزش زبان و فرهنگ: آموزش زبان‌های خارجی در ایران
۱۱۵	۵-۷ زبان‌شناسی کاربردی و کاربرد زبان
۱۱۵	۵-۷-۱ نگارش تخصصی
۱۱۶	۵-۷-۲ زبان‌شناسی حقوقی
۱۱۷	۵-۷-۳ ادبیات و سبک‌شناسی
۱۱۸	۵-۷-۴ فرهنگ‌نگاری
۱۱۸	۵-۷-۵ زبان‌های مصنوعی
۱۲۰	۵-۷-۶ زبان‌شناسی بالینی
۱۲۱	۵-۷-۷ زبان‌شناسی کاربردی انتقادی
۱۲۳	خلاصه فصل پنجم
۱۲۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۲۳	خودآزمایی تشریحی فصل پنجم
۱۲۵	پاسخ‌نامه
۱۲۷	کتابنامه

پیشگفتار

زبان فارسی زبان رسمی ایران و زبان مادری بسیاری از ایرانیان است. همسو با گسترش و تکوین مباحث زبان‌شناسی نظری و توصیفی در دهه‌های اخیر مطالعه و توصیف زبان فارسی نیز همواره در کانون توجه زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی بوده‌است. مطالعه و توصیف دستور و ساخت زبان فارسی شامل حوزه‌های مختلف مطالعات زبان‌شناختی نحو، صرف، معنی‌شناسی و کاربردشناسی، آواشناسی و واج‌شناسی است که در این کتاب به‌همه این حوزه‌ها به‌جز آواشناسی و واج‌شناسی پرداخته خواهد شد. آشنایی با مباحث و مطالعات حوزه‌ای زبان‌شناسی برای دانشجویان زبان‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی کارآمد و ضروری است. کتاب حاضر برای تدریس درس ساخت زبان فارسی و دستور زبان فارسی برای دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسی مقطع کارشناسی ارشد مناسب است. مطالب این کتاب در راستای معرفی مبانی دستور توصیفی زبان فارسی در قالب مطالعات زبان‌شناختی است، اما کتاب تا حد امکان از رویکرد نظری خاصی پیروی نمی‌کند و تنها اصول و مبانی دستور و ساخت زبان فارسی را معرفی و توصیف می‌کند. هرچند کتاب در بخش صرف به ضرورت اشاراتی کلی به‌نگرش ساخت‌گرایی و دستور زایشی خواهد داشت. در این کتاب تلاش شده‌است تا مباحث دستور و ساخت زبان فارسی به‌زبانی ساده و روشن بیان شوند تا زمینه آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان با این مباحث فراهم شود و گامی برای آشنایی بیشتر با مطالعات حوزه‌ای زبان در زبان‌شناسی باشد. درعین حال، کتاب در بعضی قسمت‌ها با تکیه بر مفاهیم دستور سنتی به سمت توصیف بیشتر این مفاهیم می‌رود. کتاب حاضر مشتمل بر

چهار فصل به انضمام فصلی از زبان‌شناسی کاربردی است. فصل اول به معرفی مختصر پیشینه زبان فارسی می‌پردازد. در فصل دوم مبانی صرف یا ساخت‌واژه زبان فارسی ارائه می‌شود. در فصل سوم مبانی کلی نحو در زبان فارسی طرح و بررسی می‌شود. فصل چهارم به طور خلاصه به مبانی معنی‌شناسی می‌پردازد و فصل پنجم برای آشنایی با زبان‌شناسی کاربردی و مباحث آموزش زبان است. با وجود ایرادات احتمالی در هر کتابی و از جمله کتاب حاضر، امید است بخشی از کاستی‌های منابع موجود برطرف شود و دانشجویان محترم بتوانند از آن بهره لازم و کافی را ببرند و در آینده شاهد آثار خوبی در زمینه زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی باشیم.

مقدمه

زبان فارسی مانند همه زبان‌های دنیا دارای نظام و ساخت است. در دهه‌های اخیر مطالعه و توصیف نظام زبان‌ها و اجزاء آنها در کانون توجه مطالعات زبان‌شناسی نوین بوده است و زبان‌شناسی توصیفی و نظری بر مطالعات زبانی سایه افکنده است. دستورنویسان سنتی به دنبال ایجاد الگوها و وضع قوانینی برای دستور زبان بودند، در حالی که در زبان‌شناسی نوین ملاک اصلی برای نگارش دستور زبان استخراج مقولات و الگوها و فرایندهای زبانی و توصیف آنها و در سطحی بالاتر تبیین آنهاست. زبان فارسی نیز از رهگذر این نوع مطالعات بی‌نصیب نمانده است. بعد از تلاش ادبا و دستوریان برای نگارش دستورهایی برای زبان فارسی که در فصل اول به مواردی از آنها اشاره خواهد شد، جهت زبان‌شناسی در ایران از دو دهه قبل تاکنون، همگام شدن با مطالعات نظری و روش‌های توصیفی و انجام پژوهش‌های متعدد و متنوع در زمینه‌های مختلف دستور زبان فارسی است که نتایج آن به صورت مقالات و کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مختلف منتشر شده است. در عین حال، هیچ‌کدام از نظریه‌ها و رویکردهای غالب زبان‌شناسی به صورت تمام و کمال بر قامت زبان فارسی نمی‌نشیند و همواره خلأهای نظری در این میان به چشم می‌خورد. آنچه در مطالعات نوین زبان‌شناسی مهم است، در وهله نخست شناسایی و توصیف مقولات و ساخت‌های زبان است که براساس این داده‌ها می‌توان رویکردهای نظری مختلف را آزمود. همان‌طور که بیان شد، این کتاب رویکرد نظری خاصی را دنبال نمی‌کند اگرچه در مواردی رویکردهای غالب را مطرح می‌کند. برای مطالعات توصیفی نظام زبان حوزه‌هایی را در نظر می‌گیرند.

مطالعات حوزه‌ای به محققان این امکان را می‌دهد تا ابعاد مختلف نظام پیچیده زبان را مدنظر قرار دهند و توصیف زبان توصیفی جامع‌تر و دقیق‌تر باشد. با معرفی حوزه‌های مختلف مطالعات زبان‌شناختی شامل صرف و نحو و معنی‌شناسی و واج‌شناسی و آواشناسی محقق و زبان‌شناس قادر خواهد بود تا واحدها و ساخت‌های مختلف زبان را در جایگاه خود بازشناسد و توصیف کند. آنچه در این کتاب به آن پرداخته می‌شود صرفاً معرفی مبانی و تعاریف این حوزه‌هاست. حوزه واج‌شناسی و آواشناسی در این کتاب معرفی نمی‌شود. در فصل پایانی این کتاب، برای آشنایی دانشجویان با مباحث و مبانی زبان‌شناسی کاربردی و تفاوت آن با زبان‌شناسی نظری به معرفی این حوزه مطالعاتی می‌پردازیم.

فصل اول

درباره زبان فارسی

هدف کلی

آشنایی دانشجویان با تعریف علمی و زبان‌شناختی نظام زبان و اطلاع کلی از مراحل تاریخی زبان فارسی.

هدف‌های یادگیری

بعد از مطالعه این فصل انتظار می‌رود دانشجویان بتوانند:

۱. تعریف علمی و دقیقی از نظام زبان و ساخت زبان داشته باشند.
۲. تفاوت دستور سنتی و تجویزی با دستور توصیفی را شرح دهند.
۳. پیشینه مختصری از مراحل تاریخی زبان فارسی را بیان کنند.

۱-۱ دستور و ساخت زبان فارسی

قبل از ورود به مباحث کتاب، لازم است اندکی به عنوان کتاب و متغیرهای آن بپردازیم. زبان در ساده‌ترین تعریف عبارت است از نظامی^۱ متشکل از قواعد^۲ و واژگان^۳ که در ذهن گویشور هر زبانی وجود دارد و وی را قادر می‌سازد تا با آن زبان تکلم کند. زبان قاعده‌مند بشری متشکل از قواعدی است که عملکردی عام و خاص دارند. درواقع

1. system
2. rules
3. lexicon

آنچه در نگاه نخست در هر زبان به چشم می‌خورد واژگان و جملات آن زبان‌اند، اما در ورای این واژگان و جملات و با در نظر گرفتن ساخت درونی آن‌ها، درمی‌یابیم که ساخت واژگان و جملات از الگوها و قواعد مشخصی پیروی می‌کنند و دلبخواهی^۱ نیستند. تنها چیزی که در مورد زبان دلبخواهی و قراردادی است، ارتباط معنی واژگان و صورت آن‌هاست که در غالب موارد هیچ دلیلی منطقی یا شباهتی تصویری بین صورت واژگان و معنی آن‌ها وجود ندارد. هنگام صحبت از دستور و ساخت زبان، فرض بر این است که زبان به عنوان دانشی در ذهن سخنگویان، دارای ساخت^۲ است و ساختمان‌بودن آن یعنی زبان نظامی است که اجزاء سازنده آن با کمک قواعدی مشخص در مجموعه‌ای سازمان‌یافته در کنار هم قرار دارند و نقش هر جزء به دیگر اجزاء و کل نظام زبان معین است و سازوکار زبان در نتیجه برهم‌کنش این اجزاء تحقق می‌یابد، بنابراین هر زبانی دارای ساخت و نظام است که براساس مجموعه‌ای از قواعد و عناصر شکل می‌گیرد. همه زبان‌های بشری دارای ساخت‌ها و واحدهای نحوی و صرفی‌اند، حتی زبان‌های اشاره‌ای و هیچ زبان بشری بدون ساخت و نظام نیست و یک زبان خاص نه تنها شامل مجموعه‌ای از واژگان است، بلکه این واژگان به‌طور سلسله‌مراتبی در کنار هم قرار می‌گیرند و واحدهای بزرگ‌تری مانند گروه و جمله را می‌سازند.

به لحاظ نشانه‌شناختی^۳، نظام زبان عبارت است از نظامی متشکل از نشانه‌ها که در آن نشانه‌های زبانی پیوسته در دو فرایند متمایز شرکت می‌کنند و از این راه، ساخت‌های بزرگ‌تر از سطح واژه‌ها ساخته می‌شوند. این دو فرایند همنشینی^۴ و جانشینی^۵ است. فرایند همنشینی باعث بوجود آمدن ساخت‌های بزرگ‌تر و فرایند جانشینی باعث تنوع معنایی یا کاربردی می‌شود. در تعریف نشانه‌شناختی زبان، دو فرایند همنشینی و جانشینی اساس صورت‌بندی و شکل‌گیری جملات‌اند.

1. conventional
2. structure
3. semiotics
4. syntagmatic
5. paradigmatic

درباره زبان فارسی ۳

نظام زبان مانند هر نظام دیگری متشکل از چند زیرنظام است که هرکدام اجزاء و قواعد خاص خود را دارند. این زیرنظام‌ها «نحو»^۱، صرف^۲، آواشناسی^۳، واج‌شناسی^۴ و معنی‌شناسی^۵ هستند.

دستور زبان یا گرامر در مفهوم سنتی، به‌طورکلی به‌قواعد درست‌نویسی و کاربرد درست زبان اشاره دارد. ادیبان و فلاسفه از زمان یونان باستان قصدداشتند تا زبان را به‌سمت زبان متعالی و مردم را به‌سمت کاربرد صحیح که همان کاربرد ادبی است، هدایت کنند، اراین‌رو وجود مباحثی تحت‌عنوان دستور سنتی در کتاب‌های مختلف، عمدتاً تجویزی است نه توصیفی. برخلاف دستورهای سنتی، هدف دستورهای زبان‌شناختی ارائه الگوهایی است که به‌کمک آن بتوان توصیفی از ساخت همه زبان‌ها ارائه داد و مبنای کار توصیف ساخت‌های موجود است و این روند گامی برای نیل به‌همگانی‌های زبان است. دستور زبان باید بتواند توانش زبان^۶ را توصیف کند. توانش یک زبان، دانش ذهنی انتزاعی گویشوران زبان در تولید و درک بی‌نهایت جملات آن زبان است. کنش زبان^۷ بازنمود عینی و صورت فیزیکی نوشتاری و گفتاری این توانش است.

واژه یونانی گرامر به‌معنای نوشتن است. نگرش سنتی به‌زبان غالباً در کتاب‌های دستور زبان تجلی‌یافته است. مطالب موجود در کتب دستوری عمدتاً مبتنی بر اجزاء و ارکان زبان و ارائه تقسیم‌بندی‌های مختلف از مقولات مختلف زبانی است. در این کتاب‌های دستوری، نگرش به‌زبان صرفاً صوری و بیرونی است و شیوه‌ای تجویزی دارند، درحالی‌که در زبان‌شناسی نوین نگرش به‌زبان، ماهوی و شیوه کار توصیفی است. در کتاب‌های دستور زبان مبتنی بر مطالعات زبان‌شناسی نوین همه صورت‌های زبانی اعم از خوب یا بد از دیدگاه دستور سنتی و تجویزی مورد مطالعه قرار می‌گیرند و حاصل کار، توصیف ساخت زبان و کاربردهای صورت‌های مختلف زبانی است. ویژگی‌های کلی دستورهای سنتی عبارت‌اند از:

۱. تجویزی‌اند (مثال: مفعول در جمله باید پس از فعل^۸ واقع شود).

-
1. syntax
 2. morphology
 3. phonetics
 4. phonology
 5. semantics
 6. Linguistic competence
 7. Linguistic performance
 8. verb

۲. تقلیدی‌اند (تقلید از سبک نگارش دستورهای یونانی و عربی).
 ۳. ثابت‌اند (به‌ماهیت در حال تغییر بودن زبان توجهی ندارند. بسیاری از ساخت‌ها و صورت‌ها و واژگان زبان منسوخ شده‌اند و اصرار بر ادامه کاربرد آن‌ها با پویایی زبان در تضاد است).
 ۴. مبتنی بر صورت نوشتاری زبان‌اند (برای گونه گفتاری زبان اهمیتی قائل نمی‌شوند).
 ۵. نادیده گرفتن قراردادی بودن زبان (اینکه غالب مقولات مانند جمع و مفرد و جنس و زمان و غیره قراردادی‌اند).
 ۶. بین مطالعه هم‌زمانی^۱ و در زمانی^۲ یا تاریخی تمایز قائل نمی‌شوند.
- نخستین کتاب‌های دستور زبان فارسی، دستور زبان فارسی سخن (۱۲۸۹) و دستور دبستان سخن (۱۳۰۸) تألیف میرزا حبیب اصفهانی است. دستورهای قبل به زبان عربی بوده‌اند. نمونه آن *الکتاب متعلق به سیبویه* در قرن دوم هجری است. کتاب *الاصول* ابن سراج (قرن چهارم هجری) و *الخصائص* ابن جنی (قرن سوم هجری) نیز از آن جمله‌اند. دستور زبان پنج استاد (۱۳۵۰) نمونه دیگری از دستور سنتی زبان فارسی است. معیار اصلی تجویزی بودن این دستور، گرایش به ادبیات و کاربرد گونه ادبی زبان است که سخنوران و استادان و ادیبان از آن استفاده می‌کنند و صورت‌هایی که برخلاف صورت‌های معیار ادبی و فاخر دستورهای سنتی باشد، تخطی از دستور زبان و نادرست شمرده می‌شوند، همان‌طور که بیان شد برخلاف دستورهای سنتی دستورهای زبان‌شناختی به دنبال ارائه الگوهایی‌اند که به کمک آن‌ها بتوان توصیفی از ساخت همه زبان‌ها ارائه داد و هدف کلی این دستورها حرکت به سمت همگانی‌های زبانی^۳ است. توصیف علمی یک زبان، توصیف و تبیین دانش زبانی سخنوران آن زبان است که در ذهن سخنور زبان جای دارد. بخشی از این دانش زبانی از بدو تولد در مغز یا ذهن کودک نهادینه شده، و در مواجهه با محیط کامل می‌شود. کودک فارسی‌زبان داده‌های زبان فارسی را از محیط زبانی کسب و توانش زبانی‌اش شکل می‌گیرد که مبنای کنش زبان است. در کتاب حاضر به عنوان دستوری توصیفی، توصیف توانش زبانی فارسی‌زبانان مبناست. کنش زبانی توأم با خطاها و مسائل هیجانی و عاطفی و ارتباطی است. آنچه مهم است، توانش

1. synchronic

2. diachronic

3. Language universals

زبانی سخنوران به عنوان دانش زبانی محض است. هدف کتاب ارائه توصیفی ساده و روشن از مفاهیم دستوری توانش سخنوران زبان فارسی است مفاهیمی که از منظر زبان‌شناسی نوین در وهله نخست در هر زبان توصیف می‌شوند و در سطحی بالاتر در چهارچوب نظریه‌ها و رویکردهای متفاوت تحلیل و تبیین می‌شوند.

۱-۲ مروری بر دوره‌های تاریخی زبان فارسی

این بخش برای آشنایی مختصر با دوره‌های پیشین زبان فارسی که هرکدام دارای ویژگی‌های مختص به خود است و مطالعات تاریخی که در چهارچوب آن‌ها دنبال می‌شود، به مرور کلی این دوره‌ها می‌پردازد.

«زبان‌های ایرانی شاخه‌ای از گروه زبان‌های هند و ایرانی‌اند که خود شاخه عمده‌ای از زبان‌های هند و اروپایی است. گروه زبان‌های هند و ایرانی به دو شاخه هندی و ایرانی تقسیم می‌شود. از لحاظ تحول تاریخی می‌توان برای زبان‌های ایرانی سه دوره قائل شد: ۱. دوره باستان؛ ۲. دوره میانه؛ ۳. دوره جدید» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۳: ۱۱).

«دوره باستان از دورانی که نخستین آثار زبان‌های ایرانی وجود دارد، یعنی زمان تألیف گاهان یا گات‌های زردشت (احتمالاً حدود سده ۱۰-۱۲ ق.م) آغاز و در اواخر دوره هخامنشی (حدود ۳۰۰ ق.م) پایان می‌پذیرد. در این دوره از دو زبان آثار مکتوب در دست است.»

الف) زبان اوستایی که از نظر ویژگی‌های زبانی به شرق و شمال شرقی ایران باستان یا ایران بزرگ متعلق است و کتاب *اوستا* بدان نوشته شده است. هیچ‌یک از زبان‌های بعدی را نمی‌توان دنباله مستقیم و تحول‌یافته زبان اوستایی دانست.

ب) زبان فارسی باستان در جنوب غربی ایران معمول بوده، و کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی (قرن ۴-۶ ق.م) بدان نوشته شده است. برخلاف زبان اوستایی، کتابت آثار فارسی باستان هم‌زمان با تألیف آن‌هاست» (همان: ۱۱-۱۲).

بنابراین از زبان ایرانی باستان چهار زبان منشعب شده است که عبارت‌اند از:

۱. سکایی؛ ۲. مادی؛ ۳. فارسی باستان و ۴. اوستایی.

از زبان‌های سکایی و مادی نوشته‌ای برجای نمانده است، مگر تعدادی لغت که در کتاب‌های یونانی و لاتین وجود دارد، اما از زبان فارسی باستان که زبان قوم پارس

بوده است کتیبه‌های زیادی برجای مانده است. تنها اثر باقیمانده از زبان اوستایی، کتاب دینی زرتشتیان اوستاست. اوستای امروز حدود یک‌سوم اوستای دوره ساسانی و دارای پنج بخش است.

«دوره میانه از اواخر دوره هخامنشی (در حدود ۳۰۰ ق.م) آغاز می‌شود و در اوایل دوره اسلامی (قرن هفتم م) پایان می‌پذیرد، ولی نگارش به زبان‌های این دوره تا قرن سوم و چهارم هجری و در مواردی (مانند زبان خوارزمی) تا قرن هفتم هجری نیز ادامه می‌یابد. زبان‌های معمول در این دوره را بنا بر موازین زبانی و جغرافیایی به دو گروه تقسیم می‌کنند: الف) زبان‌های شرقی که به دو شاخه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند. سغدی و خوارزمی جزء زبان‌های شرقی شمالی و سکایی (ختنی) و بلخی جزء زبان‌های شرقی جنوبی‌اند.

ب) زبان‌های غربی به دو شاخه شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند. شاخه غربی شمالی در قلمرو پارت‌ها یا اشکانیان متداول بوده است و آن را پهلوانیگ، پهلوی اشکانی یا پارتی می‌نامند. شاخه غربی جنوبی اساساً زبان متداول در فارس در دوره ساسانیان بوده که در نواحی دیگر گسترش یافته است. دانشمندان این زبان را در مقایسه با فارسی باستان و فارسی جدید فارسی میانه می‌نامند، ولی بنا بر سنت، نام آن پهلوی است» (همان: ۱۲). در رابطه با نام پهلوی لازم به ذکر است که «در دوره ساسانی پهلوانیگ / پهلویگ (پهلوی یا پارتی) در تقابل با پارسیگ (فارسی میانه) و در دوره اسلامی پهلوی (فارسی میانه) در تقابل با فارسی (فارسی نو) قرار دارد.

دانشمندان معمولاً پهلوی را برای زبان فارسی میانه زردشتی و فارسی میانه یا فارسی میانه مانوی یا فارسی میانه تورفانی را برای نوشته‌های مانویان به فارسی میانه به کار می‌برند، گرچه گاهی نیز اصطلاح فارسی میانه زردشتی در مورد متن‌های زردشتی به فارسی میانه به کار می‌رود» (همان: ۱۴). البته ناگفته نماند که فارسی میانه نام کلی است که بر هر دو فارسی میانه زردشتی و مانوی اطلاق می‌شود.

زبان اوستایی در دوره ایرانی میانه رواج نداشته است و کاربرد آن تنها به حوزه‌های دینی محدود می‌شده است. زبان‌هایی که در این دوره اثری از آن‌ها بر جای مانده، همان دو گروهی است که از آن‌ها نام بردیم:

۱. زبان‌های ایرانی میانه شرقی

۲. زبان‌های ایرانی میانه غربی

گروه نخست زبان‌های بلخی، سکایی، سغدی و خوارزمی را شامل می‌شود و گروه دوم شامل زبان‌های فارسی میانه و پهلوی اشکانی است و زبان‌های مادی اوستایی که در دوره باستان رواج داشته، در دوره میانه از بین رفته‌است. امروزه آثار بازمانده از زبان بلخی در افغانستان، متعلق به اواسط سده دوم تا اواسط سده نهم میلادی است و از این زبان در دوره باستان و جدید اثری به دست نیامده‌است. از زبان سکایی میانه نیز آثاری به دست آمده‌است این زبان تا سده یازده میلادی در کاشغر و حوالی آن تکلم می‌شده و پس از آن جای خود را به ترکی داده‌است.

سرزمین سغد شامل سمرقند و بخارا و نواحی اطراف آن بوده‌است. سغد در زمان هخامنشیان استانی از آن امپراتوری بوده‌است و بعد از اسلام در زمان ساسانیان، مرکز زبان و ادبیات فارسی شده‌است. این زبان تا سده چهارم هجری در سغد رایج بوده، اما پس از آن جای خود را به فارسی داده‌است. خوارزمی تا زمان حمله مغولان در خوارزم تکلم می‌شده که پس از آن جای خود را به ازبکی داده‌است. خوارزم که اکنون بخشی از آن جزء ازبکستان و بخشی از آن جزء ترکمنستان است، زمان هخامنشیان و بعد از اسلام جزئی از ایران بوده‌است. آثار کمی از این زبان برجای مانده‌است.

از زبان‌های میانه غربی، پهلوی اشکانی (پهلوانیک) در نواحی از خراسان و مازندران صحبت می‌شده و در دوره اسلامی از میان رفته، و جای خود را به فارسی داده‌است. فارسی میانه (پارسیک) نیز دنباله فارسی باستان است که در دوره ساسانی زبان رسمی ایران بوده‌است، به همین دلیل «پهلوی ساسانی» نیز خوانده می‌شود.

«دوره جدید از اواخر زمان ساسانی آغاز گردیده‌است و تاکنون ادامه دارد. مهم‌ترین زبان این دوره فارسی دری است. زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی گوناگونی که در قلمرو کنونی ایران و خارج از ایران معمول‌اند مانند کردی، بلوچی، آسی، گیلکی، مازندرانی و غیره همه به این دوره تعلق دارند» (آموزگار و تفضلی: ۱۲).

در سال ۲۵۶ هجری با سقوط دولت ساسانیان دولت مستقل ایران در سیستان تأسیس و زبان فارسی دری زبان رسمی شد که تاکنون ادامه داشته‌است. دوره جدید زبان‌های ایرانی نیز از این زمان شروع می‌شود. زبان فارسی یا فارسی دری دنباله فارسی میانه زردشتی است این زبان به تدریج جانشین زبان‌های دیگر ایرانی یعنی سغدی، سکایی، خوارزمی و بلخی شد.

«قدیمی‌ترین آثاری که از فارسی دری مانده‌است، گذشته از کلمات و عبارت‌های کوتاه و بعضی مصراع‌ها و بیت‌ها که در تواریخ عربی و آثار فارسی ادوار بعد ثبت شده، از میانهٔ قرن چهارم هجری است... فارسی دری که در طی سه قرن از اوایل قرن چهارم تا اوایل قرن هفتم به تدریج مقام زبان رسمی و ادبی ایران را کسب کرده‌بود در این مدت از گویش‌های ایرانی شرقی که در قلمرو آن‌ها رایج‌بود و نیز زبان‌های غیرایرانی تأثیرپذیرفت... فارسی دری را از جهت تطور تکاملی که در طی هزار سال پذیرفته‌است می‌توان به سه دورهٔ مهم تقسیم کرد: دورهٔ رشد و تکوین، دورهٔ فارسی دری، دورهٔ تحول و تجدد» (خانلری، ۱۳۷۲: ۹-۱۱).

در کتاب حاضر دستور زبان فارسی نوین معیار، یعنی صورت امروزی زبان فارسی بررسی و توصیف می‌شود و به دوره‌های تاریخی زبان فارسی پرداخته نمی‌شود. در واقع این کتاب به مطالعات تاریخی نمی‌پردازد و به دنبال توصیف هم‌زمانی است نه مطالعات در زمانی. توصیف و مثال‌های این کتاب شامل زبان فارسی امروزی معیار است که در تهران صحبت می‌شود و لهجه معیار زبان فارسی است. معیار بودن لهجه، براساس عواملی از جمله تعداد گویشور، گسترهٔ منطقهٔ جغرافیایی، زبان آموزش رسمی کشور و غیره تعیین می‌شود.

خلاصهٔ فصل اول

در این فصل با ارائهٔ تعریفی توصیفی و زبان‌شناختی از زبان و نظام زبان، به تفاوت‌های میان دستورهای توصیفی و تجویزی پرداخته شد. نخستین دستورهای زبان فارسی معرفی شد. سپس در ادامه، مراحل تاریخی زبان فارسی از دورهٔ باستان تاکنون به‌طور خلاصه مرور شد. در پایان فصل تأکید شد که هدف این کتاب عمدتاً پرداختن به مباحث دستوری و زبان‌شناختی زبان فارسی معیار امروزی با دیدگاهی توصیفی و زبان‌شناختی است هرچند در مواردی در کتاب حاضر، مقولات سنتی دستور زبان همچنان مورد استناد و پایهٔ تعاریف است.

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول:

۱. //الکتاب به زبان عربی و درباب دستور زبان اثر کیست؟
(الف) میرزا حبیب اصفهانی
(ب) ابن سینا
(ج) سیبویه
(د) فارابی
۲. کدام یک از زبان‌های زیر از زبان ایرانی باستان منشعب نشده است؟
(الف) سکایی
(ب) اوستایی
(ج) کردی
(د) فارسی باستان
۳. کدام یک از زبان‌های زیر جزء زبان‌های دوره جدید فارسی نیست؟
(الف) کردی
(ب) ترفانی
(ج) بلوچی
(د) گیلکی
۴. معیار اصلی تجویزی بودن دستور پنج استاد و دستورهای سستی کدام عامل است؟
(الف) گرایش به ادبیات و کاربرد گونه ادبی
(ب) زبان گفتار
(ج) توصیف زبان
(د) تاریخ
۵. فارسی میانه دنباله کدام زبان است؟
(الف) سغدی
(ب) بلخی
(ج) سکایی
(د) فارسی باستان

خودآزمایی تشریحی فصل اول

۱. نظام زبان در بررسی زبان‌شناختی متشکل از کدام زیرنظام‌هاست؟
۲. زبان به لحاظ تعریف نشانه‌شناختی دارای دو فرایند متمایز است این دو فرایند را بیان کنید.
۳. توانش و کنش زبانی را تعریف کنید.
۴. ویژگی‌های کلی دستورهای سستی را برشمارید.
۵. دوره‌های عمده تاریخی زبان فارسی را نام ببرید.